

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»

بدگهر

این شعر در دوران امارت طالبان در برابر ادعای مغرضانه گوه‌ر ایوب، وزیر خارجه پاکستان، سروده شده است. از آنجا که ادعاها و مداخلات مغرضانه و غاصبانه شان تا هنوز ادامه دارد، اشاعه مجدد آن برای دوستداران وطن عزیز خالی از دلچسپی نخواهد بود.

در دل آزرده ای ناخن زدن‌ها خوب نیست
از عزیز مصر و چاک پیرهن با من مگو
شیخ ترساند مرا از احتساب روز حشر
با عصا موسی شکسته رمز سحر سامری
جوهر انسانیت در نفس بدگوه‌ر مگو
یوسفی کو؟ تا فرزند دیده یعقوب را
همتی باید که در طور حقیقت پانهد
با سفاقت آن که هر جا گوه‌ر افشانی کند
نسبت اصلیت افغان به سفاکان خطاست
خفته تا در حجله مکر و ریا، هشیار باش
بر سر قدرت همی جنگند جمعی چند، حیف
وصف بی دردان حاکم را چه میپرسی ز من؟

خاطری از خود مکر ساختن مرغوب نیست
دیده ام این تیره دامن را که خود محجوب نیست
در دل این محتسب، تقوای ما محسوب نیست
هر عصا گم کرده ای را هیبت این چوب نیست
چهره بر افروختن، از هر کسی مطلوب نیست
هر سفیهی یوسف و هر کور دل یعقوب نیست
هر عصا موسا و هر بدگوه‌ری ایوب نیست
گوه‌ر ایوب است، غیر از گوه‌ر مقلوب نیست
هر نسب گم کرده ای این قوم را منسوب نیست
این عروس چند داماد است، بی آشوب نیست
مدعا جاه است، حرف غالب و مغلوب نیست
جز گروه ناقص و جمعیت معیوب نیست

طالب دین اند «اسیر»، اندر نظام این جهان

کارشان بر هیچ قانون و به هیچ اسلوب نیست

(بن – المان، دسمبر 1998 م)